

دو فصلنامه قرآن در آینه پژوهش

سال اول، شماره دوم

پاییز و زمستان ۹۳

صفحات ۴۵-۱۳

تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات

سید محمدعلی ایازی^۱

نجمه نجم^۲

چکیده

یکی از کهن‌ترین مسائل علوم قرآن، موضوع اعجاز قرآن است که در قرآن و روایات با نام‌های «آیه»، «بینه»، «برهان»، «سلطان»، «حجت» و ... از آن یاد شده است. بررسی سیر تاریخی موضوع، نشان از استعمال و رواج «معجزه»، «اعجاز» و «خرق عادت» از سوی متکلمان در قرن‌های ۳ تا ۵ هجری قمری دارد. با پیش‌فرض حجیت الفاظ قرآن، مسأله و دغدغه اصلی در این رابطه، آن است که عدم استفاده قرآن و روایات از لفظ معجزه و تأسی اهل بیت (ع) به استعمال واژه‌های مرسوم در قرآن (فارغ از روایات اندک موجود با لفظ معجزه که نیاز به تحلیل و بررسی دارد) چه دلیلی داشته است؟ در کاوش انجام‌شده با روش توصیفی تحلیلی روشن شد که الفاظ قرآنی علاوه بر دربرداشتن معنای معجزه و خرق عادت مصطلح و رویکرد نبوت‌شناسانه، دارای رویکردی معرفت‌شناسانه با اهداف تربیتی و هدایتی بوده است و این امر، نشان از حکمت خداوند در گزینش واژه‌ها داشته و ما را به سمت پیروی و رواج واژگان قرآنی سوق خواهد داد.

کلیدواژه‌ها: آیه، بینه، برهان، معجزه، قرآن.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه قرآن و حدیث.

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

۲ تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات

مقدمه

از جمله مباحث مهم پیرامون قرآن، بررسی اعجاز و شگفتی‌های آن است که هدف از آن، ایمان و یقین به صدق گفتار پیامبران است. برای طرح این موضوع در آیات قرآن از لفظ «اعجاز»، «معجزه» و حتی «خارق العاده» استفاده نشده و همواره از معجزات انبیاء با واژه «آیه»، «بینه» و ... یاد شده است و حتی واژه‌های مرسوم در روایات ما نیز، الفاظ «آیه»، «بینه»، «برهان»، «حجت» و «سلطان» بوده و فقط در روایات بسیار اندکی از لفظ معجزه استفاده شده است. مسأله اصلی، چرایی عدم استعمال منابع دینی و دلایل استعمال و رواج واژه معجزه در میان مسلمانان است.

در این رابطه اشاراتی از غزالی در کتاب (القسطاس: ۲۰۱) به نقل از موسوی، بی تا: ۱۵۲-۱۵۰)، ابن رشد (تهافت التهافت، بی تا: ۲۸۸)، خواجه نصیرالدین طوسی (روضه التسلیم، بی تا: ۱۰۸-۱۰۱) شاید برخی از طریق اشکال بر نظرات معجزه عصر خود (المحصل، بی تا: ۵۲۰-۴۸۹) (النبوات: ۱۴، به نقل از موسوی، بی تا: ۱۵۵) مشاهده می‌شود، و در دوره معاصر از طرف علامه فضل الله (تفسیر من وحی القرآن، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۱۸۸-۱۸۷)، مطهری (آشنایی با قرآن، ۱۳۵۹، ج ۱: ۱۴۰-۱۳۸) و شریعتی (تفسیر نوین، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۷-۸۵) نشان از توجه این دانشمندان به عدم استعمال واژه‌های قرآنی و اشکالات موجود بر واژگان رواج یافته معجزه و خارق العاده دارد و حتی این مطلب به طور غیر مستقیم از جانب (محقق نراقی، بی تا: ۱۱۷-۱۰۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۵۹، ذیل ۶ جایزه) مطرح شده که نشان از نقد آنان بر نظریه معجزه و بار معنایی حاصل از استعمال این واژگان در ذهن مخاطب دارد و شاید مبنای اصلی بحث آنان، خالی بودن معجزه از جنبه معرفتی و ایمانی است که با بیان‌های متفاوت مطرح شده است. (برای مطالعه بیشتر ر.ک. به موسوی، بی تا: ۱۵۷-۱۴۹)

۱. البته برخی دانشمندان ذکر شده در برخی آثار متأخر خود به نقد نظریه معجزه پرداخته‌اند، درحالی که کتب متقدم آنان نظریه کلامی را مورد پذیرش قرار داده است؛ مثل فخر رازی در المحصل، علامه طباطبایی در جلد‌های آخر تفسیر المیزان و غزالی در القسطاس.

۳ تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات

در نگاه برخی محققان، ضمن ارائه بحث اعجاز، دقت بر عدم استعمال واژه معجزه در قرآن مورد توجه بوده و کم و بیش در این موضوع توضیحاتی ارائه شده است (پهلوان، ایازی، مودب، دیاری، قردان ملکی، سیدی، قاسم پور، رضوانی، عیسی بلاطه، مستشرقانی؛ چون ریچارد مارتین، جفری، پل تیلیش، فولر)، ولی در بررسی انجام شده روشن شد این موضوع، مسأله اصلی تحقیق‌های انجام شده نبوده و در ضمن، به چرایی و تحلیل آن نیز پرداخته نشده است؛ اما در تحقیقی با عنوان «معناشناسی آیه»^۱ هر چند مسأله اصلی محقق، متفاوت از این نگارش است ولی همسویی و دغدغه مطرح شده در آن اثر و همچنین بررسی استعمالات قرآنی معجزه در قرآن و عهدین که عالمانه و روشمند صورت گرفته، نگارنده این اثر را (هر چند در مراحل انتهایی کار) کمک کار بوده است. در نتیجه مزیت مقاله حاضر، بررسی دیدگاه‌ها و پرداختن به وجوه تحلیلی عدم استعمال واژه اعجاز در قرآن به عنوان مسأله اصلی می‌باشد. لذا در این مقاله برآنیم تا با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، پس از بررسی معنای لغوی و اصطلاحی معجزه و مرور سیر تاریخی آن، با بیان واژه‌های مورد استعمال در قرآن و روایات و کتب مقدس گذشته، جهت‌گیری معنایی هر یک را توضیح دهیم. سپس دیدگاه‌های رایج در زمینه دلایل وضع واژه اعجاز و معجزه در میان متکلمان و دیدگاه‌های مربوط به عدم به کارگیری واژه معجزه در قرآن را بیان نموده و دیدگاه علمی در مورد لزوم یا عدم لزوم تأسی دانشمندان به استعمال واژه آیه و بینه در قرآن را بررسی نماییم و در نهایت با توجه به اقتضائات امروز، گزینش بهترین رویکرد را تبیین کنیم.

۱. مفهوم شناسی معجزه

۱-۱- معنای لغوی

معجزه، در لغت از ریشه «عَجَزَ» به معنی پایان و بن یک چیز می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ماده «عجَز») و در قرآن نیز به همین معنی (قمر ۲۰-۱۹) اشاره شده است. برخی، این

۱. اثر خانم دکتر موسوی، دانش آموخته دوره دکتری دانشگاه تهران با راهنمایی جناب دکتر حجتی، که فایل pdf آن در اختیار نگارندگان است.

۴ تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات

کلمه را دارای دو اصل می‌دانند که یکی بر ضعف و دیگری بر انتهای یک چیز دلالت دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ماده «عجز» و فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ماده «عجز»)، دیگران نیز در تعریف عجز: از دست رفتن چیزی، ناتوان یافتن یا ناتوان نمودن فردی را تعبیر نموده‌اند (فیروزآبادی، بی‌تا و طریحی، ۱۳۷۵: ماده «عجز»). برخی دیگر با تأکید بر معنای ناتوانی گویند: «و لن یُعجز الله تعالی شیء؛ یعنی هر گاه خداوند چیزی را بخواهد، چیزی را کسی او را از انجام آن و رسیدن به آن باز نمی‌دارد» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ماده «عجز»)، و در معنای قرآنی: پس ای مشرکان! چهار ماه دیگر با امنیت کامل در زمین بگردید و بدانید که شما نمی‌توانید خدا را به ستوه آورید و این خداست که رسواکننده کافران است. (توبه، ۲).^۱

یکی از لغویون، اصل ریشه این واژه را به آن چه در برابر قدرت قرار می‌گیرد (ضعف)، باز می‌گرداند و معتقد است «عجز» در انتهای یک چیز بدان علت است که ضعف بر آن غلبه می‌یابد و آن چیز شادابی و تحرک خود را از دست می‌دهد. (مصطفوی، بی‌تا: ماده «عجز»)، بدین ترتیب به نظر می‌رسد مابقی معانی ذکر شده نیز، به همین معنا باز می‌گردد.

۲-۱- تعریف اصطلاحی معجزه

با وجود بیان‌های متعدد در تعریف اصطلاحی معجزه، ارکان تعریف دارای اشتراک است. فارغ از آنکه «معجزه» را اسم فاعل مبالغه شده باب افعال بدانیم و به معنای ناتوان‌کننده دیگران (عبدالعزیز عرفه، ۱۹۸۵م: ۳۸) یا معنای وصفی بدانیم و به معنای کسی که پیامبران، ناتوانی او را آشکار می‌کنند (تفتازانی، بی‌تا، ج ۱۴: ۵)، تعاریف علمای کلام و تفسیر و علوم قرآنی، متمرکز بر اثبات ادعای نبوت، تحدی، خارق‌العاده بودن و عجز بشر است. از منظر غالب آنان «اعجاز»، کار شگفت‌انگیز و خارق‌العاده‌ای

۱. گرچه در قرآن لفظ اعجاز نیامده است، ولی هم خانواده فعلی آن از أعجزه به معنای «او را ناتوان و درمانده یافت؛ قدرت و توانمندی او را بی اثر کرد» به کار رفته است. أعجز و مشتقات مختلف آن، شانزده بار در قرآن به کار رفته است؛ به طور مثال (جن ۱۲؛ انفال ۵۹؛ توبه، ۲ و ۳؛ حج، ۵۱-۵۰ و سبأ، ۳۸ و ۵)، و در هیچ یک از موارد مشتقات عجز، معنای اصطلاحی معجزه مراد نبوده است.

تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات ۵

است که مدعی نبوت برای اثبات ادعای رسالتش همراه با دعوت به تحدی انجام می‌دهد (به عنوان نمونه رک. به فاضل مقداد، بی تا: ۳۱۶؛ جوینی، بی تا: ۵۳؛ خواجه نصیرالدین طوسی، بی تا: ۳۵۰؛ جرجانی، بی تا، ج ۱: مقدمه و ج ۸: ۲۲۴ و ۲۲۳؛ تفتازانی، بی تا، ج ۵: ۱۴؛ فخررازی، المحصل، بی تا: ۴۹۸؛ قاضی عبدالجبار، بی تا، ج ۱۹۹: ۱۵؛ غزالی، احیاء علوم الدین، بی تا، ج ۱: ۵۹-۵۱؛ باقلانی، بی تا: ۳۵؛ شیخ مفید، ۱۳۹۳ق: ۳۴-۳۸؛ حلی، بی تا: ۳۵۰؛ سیوطی، ۱۴۰۸ق، ۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷۶: ۱۷-۱۷۵ و ۲۲۴-۲۲۲؛ بلاغی، ۱۴۲۰ق: مقدمه؛ طباطبایی، اعجاز القرآن، ۱۳۶۲: ۱۷؛ المیزان، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۵۹ و خوبی، بی تا: ۳۵) و گویی به هدف معجزه مصطلح در تعاریف خود توجه نکرده‌اند.

دانشمندانی بر محور هدف آیات الهی، تعریف خود را ارائه داده‌اند؛ برخی مبتنی بر حقیقت اعجاز به عنوان عملی که ناتوانی دیگران را آشکار می‌کند تعریف خود را پایه‌گذاری کرده و بر عجز بشر تأکید دارند، نه معجزه بودن قرآن (ابن خلدون: ۱۳۹۸ق، ج ۱: ۳۴۹؛ ملا عمر حویش، ۱۹۰۷م: ۲۰۴)، دانشمند معاصر دیگری با عنایت به آیه بودن معجزه، آیت و نشانه را در تعریف اعجاز گنجانده است: «ان المعجزه هی آیه خارجه عن العاده...» (جوادی آملی، ۱۳۷۴: ۱۲۳)، دیگری با تأکید بر بینه خواندن معجزات از سوی قرآن، تعریف خود را توضیح می‌دهد (امین اصفهانی، بی تا، ج ۱: ۳۹۶، ذیل آیه ۸۶ بقره) و برخی با توجه به دیدگاه صرفه، معجزه مصطلح را آن چیزی می‌دانند که خدا به عنوان تصدیق و تایید مدعی رسالت انجام می‌دهد و از ارکان تعریف مرسوم بهره نمی‌برند (شریف مرتضی، ۱۳۸۲: ۱۹۹).

«اعجاز» در تعاریف مستشرقان؛ امری شگفت‌آور، امری معنادار بر اساس معنای آیه و بینه، یا به معنای هماهنگی رویدادها ذکر شده است. قسم اول، مشابه تعاریف رایج و با الفاظی متفاوت بیان شده و تعریف بعدی اعجاز، امری معنادار، دلالت بر آیه و نشانه بودن آن دارد؛ به این تعبیر که در فعل انبیاء، معنا و دلالت و نشانه مورد توجه است و خارق العاده بودن در پی آن می‌آید. «پل تیلیش»، مدعی است اعجاز در متون مذهبی به معنای آیه

۶ تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات

و نشانه است و این چنین می‌بایست تعریف شود: معجزه؛ امری معنادار، و «فولر» با انکار و رد تعریف اعجاز به خرق طبیعت، تعریفی مشابه تعریف فوق را ارائه می‌دهد. در معنای سوم، «هالندا» معتقد است: معجزه نه خرق طبیعت است و نه علیت؛ بلکه صرف هماهنگی و دست به دست دادن اموری است که ره‌آورد آن، وقوع امر خاصی است که پشت آن، دست غیب و اراده خاص الهی برای پیام آور اوست. (رئیس اعظم شاهد، ۱۳۸۶: ۴۶-۴۴؛ قدردان قراملکی، ۱۳۸۱: ۶۷ و ۶۵ و ۶۴ و ملکیان، ۱۳۷۲: ۲۹۰ و ۲۸ و ۲۷).

از تعاریف فوق به دست می‌آید، برخی تعریف مطابق‌تری با قرآن ارائه نموده‌اند و برخی دیگر متأثر از مباحث کلامی به توضیح و معنای معجزه اقدام کرده‌اند.

۲. سیر تاریخی واژه اعجاز

بی‌گمان موضوع بحث اعجاز و عظمت آیات الهی و ناتوانی مردم در مواجهه با آن، به زمان صدور هر یک از آیات و به تعبیر مشهور، معجزات پیامبران باز می‌گردد و در دین اسلام به ظهور قرآن و عصر نزول می‌رسد. این موضوع از جمله مباحث مشترک مورد علاقه ادبا، مفسران و متکلمان بوده که هر یک به فراخور دغدغه علمی و عرق دینی خود بدان پرداخته‌اند؛ اما نکته قابل تأمل آن است که هر چه به فضای نزول نزدیک‌تر می‌شویم، استفاده از واژه اعجاز به ندرت یافت می‌شود و سیر صعودی استعمال این واژه با گذر سال‌ها در میان مسلمانان تثبیت شده است. دوره‌های مربوط به استعمال واژه اعجاز و معجزه در سیر تاریخی خود به مراحل زیر قابل تقسیم است:

- (۱) عدم استعمال واژه‌های اعجاز و معجزه در معنای مصطلح کلامی تا قرن سوم.
- (۲) تولد این واژگان با هدف دفاع از شبهات، و ضمن آن عنایت به استعمالات قرآنی.
- (۳) روند تدریجی استعمال این دو واژه بر محوریت مباحث نظم و بیان معانی قرآن و اثبات عجز بشر، و توجه به استعمالات قرآنی. (۴) شیوع تدریجی و ادامه روند تقلیدی استعمال این واژگان، و به تدریج عدم عنایت به استعمالات قرآنی.

۷ تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات

در هر یک از این دوره‌ها ادبا، مفسران و متکلمان با دغدغه لفظ و متن یا معنا و معارف با انگیزه دفاع از قرآن و نبوت به بحث اعجاز پرداخته‌اند. رویکرد ادبی، به دوران مکه و عصر نزول باز می‌گردد که کلام قرآن، بزرگان و شاعران عرب را به خضوع وامی‌داشت (سیدی، ۱۳۹۲: ۲۰). در اذعان این سخنوران، عدم سحر بودن قرآن، زیبایی و شگرفی کلام آن و ... آمده و در برخی موارد بر عجزشان و قدرت مافوق مادی قرآن هم اشاره کرده‌اند؛ اما تأکید بر لفظ معجزه و اعجاز به معنای اصطلاحی امروز در کلامشان وجود ندارد.

بررسی رویکرد مفسران چه متقدم و چه متأخر، نشان از اهمیت بحث اعجاز نزد آنان دارد و به خصوص در بررسی آیات معروف به تحدی به ویژه ذیل آیه ۲۳ و ۲۴ بقره به مباحث اعجاز پرداخته‌اند. متقدمان، کم و بیش از الفاظ اعجاز و معجزه در تفاسیر خود استفاده نموده‌اند (ر.ک. به طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۱۲۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۱: ۱۵۷؛ فخررازی، تفسیر کبیر، ۱۴۲۲ق، ج ۱۸: ۳۹۳ و مفاتیح‌الغیب، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۲۶۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: مقدمه و ص ۳۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۵ق: مقدمه، ص ۱۰۴ و فصل ۲۳ تفسیرش؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۱۰۶؛ ابن حیان اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۱۶۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۱۰۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۱: ۷۷-۷۰؛ زرکشی، بی‌تا، ج ۲: ۱۰۱ و...)، ولی همان موارد محدود استعمال یا در راستای بیان ناتوانی اعراب از هم‌آوردی با قرآن و بیان نظم خاص قرآن بوده است؛ مثل (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۱۳۱-۱۲۹) یا محور اصلی آن پدیده‌های ادبی بی‌نظیر قرآن و نظم بیانی آن بوده و در راستای تبیین این بحث و نشان‌دادن عجز عرب از تحدی، به واژه اعجاز و معجزه اشاره شده است؛ مثل (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: مقدمه و ص ۹۶؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۵۳-۵۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۱۱۳ و حمصی، ۱۴۰۰ق: ۹۳) و دیگرانی با همین رویه به جای استعمال پرتراکم واژه اعجاز و معجزه بر وجوه دیگری از عظمت قرآن، چون اخبار غیبی و زیبایی مضمون و انسجام آن تأکید داشته‌اند؛ مثل (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۱: ۱۸۵ و فخررازی، نهایه الایجاز فی درایه الاعجاز، ۱۴۱۲ق: ۸۰-۷۸).

۸ تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات

به نظر می‌رسد در قرن دهم تا ابتدای قرن چهاردهم، اندیشه اعجاز نقطه عطف مهمی را پشت سر گذاشته (ر.ک. حمصی، ۱۴۰۰ق، ۲۰۱-۱۵۸) و معمولاً مفسران و علمای متأخر، تأکید و تکرار گفته‌های پیشینیان را بیان کرده‌اند (به طور مثال ر.ک. به سیوطی، الاتقان: ۱۹۹۳ق، ج: ۴: ۴، معترک القرآن، ۱۴۰۸ق، ج: ۱: نقل نظر دیگران ذیل ۳۵ وجه اعجاز ۳۹-۱۲، به طور خاص ص ۱۴ و ۱۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج: ۱: ۳۲؛ بروسوی، بی‌تا: ج: ۱: ۸۰ و حمصی، ۱۴۰۰ق: ۲۰۹). در دوره معاصر با وجود تغییراتی در اندیشه اعجاز و توجه عالمان این دوره به بحث اعجاز علمی (ر.ک. به طنطاوی، بی‌تا: ج: ۱: ۷ و ۴۲-۴۱ و ...؛ کواکبی، طبایع الاستبداد، ۴۳-۴۶ به نقل از ابو حجر، ۲۰۰۱م: ۱۸۷-۱۸۳) یا تأکید بر همان نظم و اسلوب خاص قرآن با بیان امروزی (دراز، النبا لعظیم، به نقل از ابو حجر، ۲۰۰۱م: ۲۳۱-۲۲۹؛ رشید رضا، بی‌تا، ج: ۱: ۲۰۱-۱۹۳ و بنت الشاطی، ۱۳۹۱: ۱۲۰) یا حتی تقریرات جدید برخی علما (بلاغی، ۱۴۲۰ق، ج: ۱: مقدمه و ۱۶-۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج: ۱: ۶۶-۵۷؛ خویی، بی‌تا: ۱۱۷-۳۴)، روح حاکم بر بحث اعجاز و وجوه اعجاز، همان نظرات گذشتگان است.

هر چند مبحث اعجاز از مهم‌ترین مباحث علوم قرآنی و تفسیر است؛ اما به نظر می‌رسد کانون شکل‌گیری آن به مباحث خلق قرآن و سایر مباحث جدلی و کلامی باز می‌گردد.^۱ به عبارتی بحث اعجاز در میان بحث‌های کلامی قرن ۳ و ۴ و زمان شکل‌گیری نظریه صرفه به جهت دفاع از عقاید دینی و هدف مبارزه با انحرافات متولد شده و با رویکردی سلبی و با تأکید بر عجز بشر از معارضه با قرآن و بی‌هماندی قرآن (و نه قدرت داشتن بشر بر آوردن همانند قرآن و عاجز کردن خدا) شکل گرفته و با شدت یافتن نظریه صرفه به جهت تقابل متوازن، بر عجز و معجزه تأکید شده است.^۲

۱. البته با تثبیت بحث عجز انسان و بی‌هماندی قرآن و به عبارتی معجزه مصطلح امروز، این بحث در مباحث تفسیر و

علوم قرآنی ورود پیدا کرد و تا حدودی از رویکرد سلبی وارد رویکرد اثباتی خود شد. (ابازی، ۱۳۸۲: ۲۰ و ۲۶ و ۳۰)

۲. یکی از محققان در بررسی کتب اعجاز متقدم، بین مباحث اعجاز و علم معانی و بیان، رابطه برقرار کرده و معتقد است که حلقه واصل بین عقیده به معجزه و علم معانی و بیان، کلمه اعجاز بوده که در طول دوره‌های

۹ تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات

در آثار متقدم، کتاب‌هایی که در سه قرن اولیه اسلامی درباره شگفتی‌های قرآن نگاشته شده، به اعجاز اشاره‌ای نشده است؛ البته «جاحظ»، در بیان نظم و بلاغت قرآن از ریشه‌های «عجز، عاجز» بهره برده و با استفاده از این کلمات، خصوصیات مخاطبانش را در مواجهه با قرآن برشمرده، در حالی که از اصطلاح «اعجازالقرآن» استفاده نکرده است؛ ولی مسلماً اثر او در گرایش معتزله و اشاعره پس از خود به نظریه اعجاز مؤثر بوده و در این اصطلاح‌سازی نقش داشته است.

در کلام علمای متقدمی؛ چون واسطی، رمانی، خطابی هم به ندرت از الفاظ عجز و اعجاز و معجز استفاده شده و در موارد استفاده هم مرادشان بیان و توصیف حالات مخاطب در مواجهه با قرآن و هم‌اوردطلبی آن بوده (رمانی، ۱۳۸۷ق: ۷۶ و ۷۵ و...؛ خطابی، ۱۳۸۷ق: ۲۲ و ۲۱ و... هر دو در کتاب ثلاث رسائل است)، ولی به مرور و با نزدیک شدن به قرن‌های ۶ و ۷ به تدریج لفظ اعجاز و معجزه بیشتر به کار گرفته شده است (باقلانی، بی‌تا: ۶۹ و ۳۵ و...؛ قاضی عبدالجبار، بی‌تا، ج ۱۶: ۲۳۵ و ۲۳۳؛ ابن حزم اندلسی، بی‌تا، ج ۲: ۵۳ و ۵۲؛ جرجانی، بی‌تا: ۲۹۸ و ۱۱۸ و ۱۱۷ و...؛ فخرالدین رازی، ۱۴۱۲ق: ۷۸ و ۷۰ و ۵۴؛ ابن تیمیه، بی‌تا: ۱۶۹ و ۱۴۰ و...). البته برخی معتقدند که اندیشه اعجاز یا همان مصطلح کردن معجزه در دوره باقلانی و اشاعره صورت نگرفته و اولین و بیشترین نظریات، مربوط به متکلمان و معتزله است (ریچارد مارتین، ۱۹۸۰م: ۱۸۹-۱۷۵ و حمصی، ۱۴۰۰ق: ۵۰).

مختلف از معنی اصلی خود که بلاغت و علم بیان بوده به سوی وادی علم کلام، تغییر معنا داده است و با نقل شواهدی از کتب مختلف، مدعای خود را تثبیت می‌کند. (مقاله اعجاز قرآن (انگلیسی)، ۱۹۳۳م: بخش معانی و بیان)

۱. همچون مجازالقرآن ابوعبیده (متوفای ۲۱۰)، معانی القرآن فراء (متوفای ۲۰۷)، نظم القرآن جاحظ (متوفای ۲۵۵)، تأویل مشکل القرآن ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶). نخستین کتابی که با عنوان «اعجاز القرآن» نگاشته شده، تألیف محمد بن یزید واسطی (متوفای ۳۰۶) است. (ر.ک. به باقلانی، بی‌تا: مقدمه کتاب و ۱۰).
۲. حتی انگیزه برخی پژوهش‌های وی که به هدف بررسی اسباب و زمینه‌های شکل‌گیری مفهوم اعجاز و آگاهی از تحولات فکری منتهی به نظریه اعجاز انجام شده، ناشی از تصور حاکم بر محققان مسلمان و غیرمسلمان مبنی بر شکل‌گیری نظریه اعجاز قرآن به دست اشاعره (باقلانی) بوده است. انگیزه جدید مؤلف برای بررسی سیر تطور

۱۰ تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات

به هر ترتیب، در دوره‌های ابتدایی فقط توصیف نظم و اسلوب و بلاغت قرآن بدون استعمال واژه اعجاز و معجزه و حتی عجز در بیان علما دیده می‌شود و حتی الفاظ حجه و برهان و آیه توسط افرادی چون خطابی و طبری مورد استعمال بوده است (نصار، ۱۹۹۹م: ۲۲۶-۲۲۳)، به تدریج استفاده از واژه‌های عجز و معجزه برای توصیف مخاطب و احوال او و نه انتساب آن به قرآن شایع می‌شود و سپس به ندرت برای نسبت دادن به قرآن، استفاده از واژه اعجاز و معجزه رواج می‌یابد و در نهایت به اوج شیوع می‌رسد و در آثار معاصر هم، همین رویکرد به دلیل قرابت ذهنی مخاطب ادامه یافته است. در نتیجه، در مورد نقش علما در رواج واژه معجزه می‌توان گفت، ادبا نقشی نداشته و مفسران هم به جهت هم‌زمانی با دوره ظهور یا رواج این واژه از سوی متکلمان در این موضوع رویکردی تقلیدی داشته‌اند و در این میان، نقش کلیدی از آن متکلمان متقدم است.

۳. واژه‌گزینی منابع حجت بخش در موضوع اعجاز

۱-۳- قرآن

هر چند قرآن از کلمات محاوره‌ای مردم استفاده کرده، ولی دقت در انتخاب واژه‌ها و رعایت ادب در واژه‌گزینی، نکته‌ها در جمع و مفرد، مقدم و متأخر، اختلاف در کلمات، عدم تضاد و اختلاف در آیات قرآن، اعجاز دیگری را رقم زده است (نساء، ۸)؛ به عبارت دیگر، اگر کلمه‌ای از قرآن برداشته شود، نمی‌توان برای آن مترادف بهتری را برگزید. در قرآن کریم، کلمه «معجزه» و حتی واژه معادل آن «خرق عادت»، مورد استعمال قرار نگرفته است. قرآن کریم، برای معرفی علایم و نشانه حق‌گونه خود و بیان صحت ادعای پیامبران

اندیشه و اصطلاح اعجاز، دستیابی او به متونی از شاخه بصره از مکتب ری و تأثیر احتمالی آن در تحلیل شکل‌گیری نظریه اعجاز بوده و او معتقد است نظریه اعجاز قرآن به دست اشاعره (از جمله باقلانی) شکل نگرفته، بلکه مجموعه تلاش‌های معتزلیان بصره به طور خاص جبائی و پیروانش بوده است. (ریچارد مارتین، ۱۹۸۰م؛ برای مطالعه بیشتر در مورد جبائی رک. حدادعادل، دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۴، ج ۹: ۵۴۲)

تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات ۱۱

و الهی بودن آنان، از واژگان دیگری استفاده کرده است که مقصود را روشن تر می کنند؛ واژه هایی نظیر «آیه»، «آیات»، «بینه»، «حجت»، «برهان»، «سلطان» و «عجب»، که رویکرد معرفتی و توجه بندگان به نشانه های الهی را هدف قرار می دهد.^۱

«آیه»، آن علامت و نشانه ظاهر و روشنی است که حقیقتش روشن و آشکار است؛ «بینه» دلیل و برهانی است که فی نفسه روشن و آشکار است و به وسیله آن، چیزهای مبهم دیگر آشکار و روشن می گردند؛ «سلطان» عبارت است از دلیل و برهان واضحی که بر عقل و فهم مردم مسلط است، و «برهان» به معنای دلیل و حجت روشن و آشکار در نظر گرفته می شود (رضوانی، ۱۳۹۱: ۳۳). این الفاظ، جامع معنایی بین نشانه قدرت خدا و حجت او و نیروی ماورالطبیعه بودن آن بوده و گویاتر و رساتر، مراد و مقصود خدا را می نمایند. به بیان قرآن، معجزه مصطلح، همان دلیل محکمی است که ادعای نبوت را اثبات می کند و نشانه قدرت الهی است و بدین مناسبت، «آیت» خوانده شده است (ر.ک. مطهری: بی تا، ج ۴: ۴۲۷؛ شریعتی: ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۷-۸۵).

۱. طبقه بندی آیات: ۱- آیات با لفظ آیه یا آیات؛ مثل: یس، بیضای موسی (ع) (طه ۲۲) یا خلقت معجزه آسای عیسی (ع) از مریم، (مؤمنون ۵۰)، درباره قرآن کریم (عنکبوت ۴۹)، و بسیاری از آیات دیگر (مریم ۲۱ و ۱۰، مؤمنون ۵۰، بقره ۲۵۹ و ۲۴۸، مائده ۱۱۴، انعام ۱۲۴ و ۳۷، یونس ۹۲، هود ۶۴، فرقان ۳۷، شعرا ۱۵۴، عنکبوت ۵۱ و ۵۰، روم ۵۸، غافر ۷۸، قمر ۲، آل عمران ۴۹، اعراف ۷۳ و...) (خرمشاهی، مدخل آیه) و بیان مفسران هم در ذیل واژه آیه و توضیح آن به عنوان معجزه مصطلح، شاهدی بر این مطلب است؛ به طور مثال (ر.ک. به فخررازی، تفسیر کبیر: ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۶۶۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۴۰ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۴۵۱). ۲- آیات با لفظ بینه یا بینات: درباره بنی اسرائیل (بقره ۲۱۱)، درباره رسولان (روم ۹) و آیات دیگری چون (بقره ۹۹، ۹۲، ۸۷ و...) و بیان مفسران، شاهد بر معنای معجزه ذیل واژه بینات قرآن است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۲۱۸ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۱۶). ۳- آیات با لفظ حجت؛ مثلاً درباره خداوند (انعام ۱۴۹)، درباره ابراهیم (ع) (انعام ۸۳). (ر.ک. به طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۴۵۲). ۴- لفظ آیه به همراه لفظ سلطان؛ درباره موسی (ع) (غافر ۲۳) یا (سوره هود ۹۶، ذاریات ۳۸) که بیان و تقریر مفسران، آن را معجزه های آشکار خدا می داند. (ر.ک. به طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۳۸۰ و ج ۱۷: ۳۲۷، طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۲۹۳). ۵- لفظ برهان؛ (نساء ۱۷) و بیان مفسران (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۲۲۷ و طباطبایی: ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۲۹). ۶- لفظ عجب؛ (کهف، ۶۳ و ۹) این آیه ضمن توصیف حادثه کهف و خواب طولانی آنان، به آیه و نشانه قدرت الهی توجه داده و آن را امری شگفت انگیز و تعجب آور ذکر می کند و (ق ۲ و جن ۱)، (ر.ک. به قدردان قراملکی، ۱۳۸۱: ۳۸).

۲-۳- روایات

از دیگر منابع حجت بخش، روایات است؛ اما نکته آن است که با وجود نقل شفاهی روایات، جعل در روایات، فراموشی الفاظ، نقل به معنای بسیار صورت گرفته از طرف راویان و ... و از طرفی، مباحث طرح شده از طرف علما در رابطه با حجیت خبر واحد، تا چه مقدار می‌توان به حجیت الفاظ استفاده شده در روایات استناد نمود؟ (مه‌ریزی، ۱۳۸۸: ش ۵۳ و دیاری بیدگلی، ۱۳۹۰: آسبهای مطرح شده در کل کتاب) مسلماً روایات محل بحث ما، جزو اخبار متواتر نمی‌باشند و با توجه به اختلاف نظر علما در باب رابطه قرآن و حدیث و بررسی جایگاه و حجیت منبع روایت در کنار قرآن و اختلاف نظرهای موجود در مورد حجیت خبر واحد (ر.ک. مه‌ریزی، ۱۳۸۲: ش ۲۹) و توجه به احادیث عرض (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۶۹، ح ۵-۱)، اولویت حجیت قرآن نسبت به روایات، برای ما مسجل می‌شود. و البته ذکر همه این نکات در حالی است که اکثر قریب به اتفاق روایات در موضوع محل بحث، مطابق با الفاظ مورد استعمال قرآن می‌باشد.^۱

۱. با بررسی کلام اهل بیت (علیهم السلام) در موضوع اعجاز، می‌توان گفتار آنان را در اقسام زیر طبقه بندی نمود:

۱- روایاتی که در قالب توصیف ویژگیهای مختلف قرآن و وجوه قرآن بیان شده است: پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «فضل القرآن عند سائر الکلام کفضل الله علی خلقه». (مجلسی ۱۴۰۳ق، ج ۸۹: ۱۹)؛ برتری قرآن بر دیگر سخن‌ها، مانند برتری خداوند بر مخلوقاتش است؛ بیان امام علی (ع): «ألا إنَّ فیهِ عِلْمٌ مایأتی والحَدیثَ عَنِ المَاضی وَدَوَاءَ دَائِکُمْ وَنَظْمٌ ما یَبینُکُمْ»؛ آگاه باشید که دانش آینده، اخبار گذشته و درمان دردهایتان و نظم میان شما در قرآن است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷)؛ امام سجاد (ع): «کتابک الذی أنزلته نوار... وفضلته علی کل حدیث»؛ کتابت را که فرو فرستادی نور است... و بر هر سخنی آنرا برتری دادی (صحیفه سجادیه، دعای ۴۲) و همچنین می‌فرماید: «آیاتُ القرآن خَزائِنٌ فَکَلِّمًا فَتِحَتْ خِزَانَةٌ یَنْبَغی لَکَ أَنْ تَنْظُرَ ما فیها»؛ آیه‌های قرآن گنجینه‌هایی است، پس هرگاه در یک گنجینه را گشودی، شایسته است که بدانچه در آن است نظری بیفکنی. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۰۹، ح ۲)؛ امام صادق (ع) نیز قرآن را کتابی می‌داند که اخبار گذشتگان و حتی آیندگان را داراست و از اخبار غیبی برخوردار است: «ان العزیز الجبار أنزل علیکم کتابه وهو الصادق البار، فیهِ خیرکم وخیر من قبلکم وخیر من بعدکم وخیر السماء والأرض ولو أناکم من یخبرکم عن ذلکم لتعجبتم». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۵۵۹، ح ۳)؛ امام حسن عسکری (ع)، در روایتی قرآن را این چنین توصیف می‌کند که از نوع سخنی است که نمی‌توان مانند آن را آورد: «إن لکلام الله

تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات ۱۳

فضلا علی الکلام، کفضل الله علی خلقه ولکلامنا فضل علی کلام الناس کفضلنا علیهم» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۲۱) در این قسم، روایات زیادی وجود دارد، نکته قابل توجه این است که در این مجموعه روایات با وجود آنکه هیچ لفظی از معجزه و اعجاز ندارد و حتی بر اساس عجز بشر هم به توصیف قرآن نپرداخته، ولی در استعمالات محققان، ذیل عناوین اعجاز محتوایی و اعجاز غیبی و دیگر وجوه اعجاز ساماندهی شده است.

۲- در روایاتی که توصیف قرآن با الفاظ آیه و بینه و حجه و.. است: از جمله این روایات، کلامی از امام رضا (ع) است: «فاتاهم من عند الله من مواعظه و حکمه ما ابطال به قولهم و اثبت به الحجج علیهم» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۷، ۲۰) یا در بیانی دیگر در کلام معصوم (ع) آمده است: «کتاب الله و حجته» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳: ۳۷، ۱۲۱، ح ۱۵)

۳- در روایاتی که با توجه به آیه و بینه بودن قرآن، اشاره به عجز بشر شده است: پیامبر (ص) می فرماید: «انما انا نذیر مبین آتیکم بآیه مبینة هذا القرآن الذی تعجزون اتم و الامم و سائر العرب عن معارضة و هو بلغتکم فهو حجة الله و حجة بینه علیکم»، همان طور که مشخص است در فرمایش حضرت ابتدا تعبیر آیه مبینة آمده و در ضمن آن به عجز هم اشاره شده و در نهایت با واژه های حجه و بینه و تاکید بر آن ختم می شود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷: ۲۴۰)

۴- روایاتی که به عجز بشر از آوردن مثل قرآن اشاره کرده است: «قال فاعلموا بعجزکم عن ذلک انه من قبل الله و لو کان من قبل المخلوقین، لقد رتم علی معارضة، فلما عجزوا بعد التقریر و التحدی، قال الله: قل لئن اجتمعت...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹: ۳۰؛ تفسیر منسوب، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۵۴)

۵- استفاده از الفاظ دیگری؛ مثل عجیبه و عجائب که بیانگر معجزه مصطلح است: در بیان امام سجاد (ع) آمده است: «ثم جاءکم بهذا الكتاب المشتمل علی هذه العجائب فان کان منقولا کما تزعمون فاتم الفصحاء و البلغاء و الشعراء و الادباء، الذین لا نظیر لکم فی سائر الادیان و من سائر الامم». همان طور که از متن روایات مشخص است تا بدین جا از الفاظ اعجاز و معجزه در روایات موردی دیده نشد؛ اما در دو قسم بعدی با این الفاظ مواجه می شویم:

۶- روایاتی که در کنار لفظ آیه و بینه و حجه و علامه... لفظ معجزه هم ذکر شده است: در بیانی منتسب است که پیامبر خطاب به ابوجهل فرمودند: «یا ایاجهل هذه الفرقة الثالثة قد شاهدت آیات الله و معجزات رسول الله» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷: ۲۴۵) یا در بیانی دیگر که البته ظاهراً مردم خطاب به پیامبر عرض کردند: «اینما من آیاتک ما لا محیص لنا عنها و من معجزاتک ما لا مذهب لنا سواها» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷: ۲۴۳)، از امام علی (ع) نقل شده که: «ان لنا حجة هی المعجزة الباهرة» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷: ۱۰) در بیانی دیگر امام صادق (ع) در تعریف معجزه می فرماید: «... لیكون دلیلا علی صدق من اتی به والمعجزة علامة لله لا یعطیها إلا انبیاءه و رؤسائه و حججه لیعرف به صدق الصادق من کذب الکاذب»؛ معجزه، نشانه‌ای از خداوند است که آن را جز به پیامبران و فرستادگان و حجت‌های خود نمی‌دهد تا به وسیله آن، راستگویی (مذعیان ارتباط با خدا) از دروغگویی (مذعیان دروغین شناخته شود). (شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۲۲، ح ۱)؛ در تفسیر منسوب به امام حسن عسگری (ع) آمده: «انهم یودون ان ینزل علی امه محمد علی لسان محمد، خیر من ربکم آیه بینه و حجة معجزة لنبوته...» (تفسیر منسوب، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۹۰) و همچنین آمده: «لما انزل الله من فضله علیه و هو القرآن الذی ابان فیه نبوته و اظهر به آیاته و معجزاته...» (تفسیر منسوب، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۰۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹: ۱۸۲، ح ۱۰) در این قسم، هر چند لفظ

تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات ۱۴

مهمترین و تنها روایاتی که با تأکید بر عجز به معجزه بودن اشاره دارد، یکی روایت منتسب به رسول خداست که پیامبر (ص) در پاسخ مخالفان خود این‌گونه فرمودند: «انما بعث الله بشرا و اظهر على يده المعجزات التي ليست في طبائع البشر الذين قد علمتم ضمائر قلوبكم فتعلمون بعجزكم عما جاء به انه معجزه» (تفسیر منسوب، ۱۴۰۹ق: ۵۰۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹: ۲۷۳) و در روایت دیگری لفظ «معجز» بیان شده که گروهی از قوم یهود خدمت حضرت صادق (ع) رسیدند و گفتند: «ای معجز یدل علی نبوه محمد» و (حضرت فرمودند) «قال: كتابه المهيمن الباهر لعقولا للناظرين» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ۲۲۴، ح ۳) بر فرض صحت این دو روایت، به نظر می‌رسد استعمال معجزه، اولویت‌دار نخواهد بود؛ چرا که اهل بیت (ع) به قرآن، به عنوان دلیل و شاهد بر نبوت پیامبر (ص) توجه ویژه داشته و در استدلال‌های خود از فصاحت و بلاغت، نظم معنایی، نظم و تعالی محتوایی آن یاد کرده‌اند؛ اما دغدغه اصلی آنان متأثر از هدف قرآن، بعد معرفتی و خدانشناسی آیات الهی بوده و استعمال الفاظ قرآنی در اکثر روایات، تأییدکننده این مطلب است و در مورد روایات محدود با لفظ معجزه، دقت در احتمال نقل به معنی^۱ و استعمال لفظ مرسوم دوره توسط راوی، اختلاف نظر

معجزه آمده؛ اما در کنار آیه و بینه و علامت است که دلالت بر نشانه الهی دارد نه آنکه بر عجز و معنای اصطلاحی معجزه تأکید داشته باشد.

این در حالی است که با ملاحظه عناوین کتب و مقالاتی چون (اعجاز قرآن از منظر اهل بیت، مودب: ۱۳۸۹؛ اعجاز قرآن در احادیث رضوی، کاظم‌زاده: ۱۳۹۱) نخست به نظر می‌آید لفظ معجزه در روایات اهل بیت (ع) به وفور یافت شود، ولی تقریباً همه موارد در قالب توصیف ویژگیهای مختلف و وجوه قرآن است و در برخی با الفاظ «آیه»، «حجت»، «سلطان» و «برهان» ذکر شده که مولفان به جهت شیوع اصطلاح معجزه، تالیفات خود را نامگذاری نموده‌اند و گرنه این واژه جزو استعمالات ائمه (ع) نمی‌باشد.

۱. به نظر پژوهشگران حدیث در مورد روایات نقل به معنا، در مواردی که ما علم اجمالی به خطا داریم، نمی‌توان اصالت عدم الخطا را جاری کنیم. بیان این پژوهشگران در رابطه با اشکالات و تصحیف‌های رخ داده در الفاظ روایات و اعتراض آنان نسبت به توجیهات بی‌دلیل و تکلف‌آمیز این چنین است: با توجه به این که ائمه (علیهم السّلام) معصوم بوده‌اند، طبیعتاً احتمال خطای معنوی در گوینده، منتفی است؛ بلکه می‌توان گفت که صرف نظر از عصمت، با عنایت به این که امامان ما همگی از افضح متکلمان و سخنوران بوده‌اند، احتمال صدور سخن متکلفانه

تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات ۱۵

موجود در انتساب یا عدم انتساب تفسیر امام حسن عسگری به معصوم (ایازی، المفسرون، ۱۳۸۶، ج ۲: ۶۴۰-۶۴۲ و لطفی: بی تا) - بر فرض صحت این اخبار واحد- طبق نظر مشهور علم حدیث علم آور نبوده و در نهایت نشان‌دهنده جواز استعمال است و علاوه بر آن، به طور کلی حجیت قرآن اولی بر حجیت روایت است و مسلماً گزینه مطلوب، استعمال و رواج واژه مدنظر قرآن خواهد بود.

۳-۳- تورات و انجیل

با توجه به وجود اصطلاح معجزه در کتب مقدس پیشین و البته طبق گزارش محققان و تعاریف قاموس کتاب مقدس، سه لفظ بر معجزه دلالت دارد: آیت، معجزات، عجایب (جیمز هاکس، واژه عجایب: ۵۹۸، به نقل از قدردان ملکی، ۱۳۸۱: ۳۴)، عنایت این کتب به واژه‌های آیه و بینه و علامت و عجایب، بیشتر از لفظ معجزه بوده و این در حالی است که در انجیل نسبت به تورات، استعمال معجزه کمتر شده (قدردان قراملکی، ۱۳۸۱: ۳۳-۳۱ و ۲۱۵؛ ر.ک. سلیمان حیییم، ج ۲: ۸؛ سفر خروج باب ۱۱ آیه ۹، اعمال رسولان باب ۲ آیه ۲۲، سفر یوحنا باب ۱۰ آیه ۲۶ و باب ۸ آیه ۲۸، باب ۵ آیه ۱۹ و ... به نقل از دنیز ماسیون، ۱۳۸۹: ۳۷۴ و ۲۸۳ و ۲۸۲) و در قرآن اصلاً استعمال نشده است!

از ایشان، بسیار مستبعد می‌نماید، به گونه‌ای که اطمینان به عدم آن داریم. بنابراین، اگر عصمت امامان (علیهم السلام) را هم در نظر بگیریم، باز باید تنها احتمال خطای ناسخان را مطرح ساخت؛ ولی با عنایت به جواز نقل به معنا، نمی‌توانیم مطمئن باشیم که لفظ نقل شده، عین لفظ صادر شده از امام (ع) است و این جاست که احتمال وجود خطای معنوی در نقل به معنا مطرح می‌گردد. به هر ترتیب آنچه متناسب با این بحث مفید است، این که نقل به معنا در روایات عادی انجام می‌گرفته است. (شبییری: ۱۳۸۹)

۱. طبق نظر ایزوتسو، مستقل دانستن دستگاه واژگان قرآن، به معنای استقلال آن از واژگان پیش از اسلامی و پس از اسلامی است. بر اساس علم معناشناسی، عینیت‌گرایی در فهم مفاهیم قرآن، پرهیز از هر گونه معرفت و گزاره کلامی و فلسفی است که در خارج از بافت متنی قرآن پدید آمده است. البته قرآن از مفاهیم و واژگان پیش از نزول استفاده کرده ولی در همه آنان تصرف نموده و طبق جهان‌بینی خود سامان مجدد داده و الگوی بینشی جدیدی ایجاد کرده است (ر.ک به ایزوتسو، ۱۳۷۰: ۵۲ و ۵۱ و موسوی، بی تا: ۷ و ۶).

تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات ۱۶

محقق متن معناشناسی آیه در قرآن و عهدین، با بررسی دقیق و جامع لفظ «آیه»^۱ در عرب جاهلی و عهدین و واژگان جانشین آن به این نتیجه می‌رسد که: مفاهیم دینی آیه در عهد قدیم، همه به یک مفهوم واحد برمی‌گردد و آن «فعل الهی» است که در اقسام آیه تصدیقی و آیه اقناعی و اخبار از غیب و شعائر الهی از طرف خداوند مطرح شده و بر این اساس، کارکرد آیه در عهد قدیم، ایمان و معرفت بخشیدن به ناباوران و تقویت ایمان و معرفت در مومنان است، و کارکرد آیه در عهد جدید به همان تورات بر می‌گردد. آیه، نشانه‌ای از خداوند است که انسان به مدد آن، معرفتی در مورد خدا کسب می‌کند و در نتیجه ابزاری برای خداشناسی است. البته در عهد جدید، آیه کارکردهای جدیدی پیدا می‌کند که در عهد قدیم وجود نداشته که از جمله آنها، تصدیق مدعی نبوت است و همین کارکرد بعدها توسط متکلمان مسلمان به عنوان تنها کارکرد معجزات، در نظر گرفته می‌شود.

بدین ترتیب بررسی واژگان معجزه، آیه و جانشینانش در سه کتاب مقدس و سیر نزولی استعمال معجزه در آنها، می‌تواند حاکی از سیر معرفتی و عقلانی بشر به عنوان مخاطبان کلام وحی باشد، ضمن آنکه کارکرد آیه در عهد قدیم و جدید، خداشناسانه است و به طور خاص در قرآن، کارکردی خداشناسانه و آخرت شناسانه دارد و به تبع آن، کارکردی پیامبرشناسانه یافته است درحالی‌که کارکرد معجزه، فقط پیامبر شناسانه می‌باشد (موسوی، بی‌تا: ۲۰۷ و ۱۷۷ و ۶۹-۶۲ و ۱۳ و ۶).

بدین ترتیب پیش فرضهای ما در تدوین این مقاله را می‌توان چنین بیان نمود:
- اعتقاد به حجیت الفاظ قرآن با توجه به وحیانی بودن الفاظ و ابعاد اعجاز به طور ویژه توجه به فصاحت و بلاغت قرآن. (برای مطالعه بیشتر ر.ک. به اسعدی، ۱۳۸۷: درآمدی بر نظریه معناشناسی مستقل فرازهای قرآنی در پرتو روایات تفسیری)

۱. محقق، مبدأ ورود واژه آیه به قرآن را زبان سریانی می‌داند (جفری، بخش آیه واژه‌های دخیل در قرآن)، درحالی‌که آذرنوش به نقد این دیدگاه پرداخته و آن را سرمایه اصیل عربی ذکر می‌کند (آذرنوش، ۱۳۸۹: ۶۳).

تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات ۱۷

- توجه به اینکه طبق آیات صریح قرآن (نحل ۱۰۳، شعراء ۱۹۵، آل عمران ۱۳۸، و نحل ۵۹)، زبان قرآن «لسان عربی مبین» است و «بیان للناس» و «تبیاناً لكل شیء» تعبیر شده است.

- عنایت به آنکه پیامبر و ائمه -علیهم السلام- با توجه به اخبار عرض، ملاک و معیار سنجش سخنان منسوب به خود را قرآن معرفی نموده‌اند.

عدم استعمال قرآن از واژه اعجاز و معجزه مصطلح حتی یک‌بار-بر اساس پیش فرضهای ذکر شده- حاوی نکته و پیامی باید باشد و این نکته، تأمل و ضرورت دقت نظر در استعمال واژه‌ها را دو چندان می‌کند.

۴. رویکرد دانشمندان در ترویج واژه معجزه

با توجه به وضع واژه اعجاز و معجزه توسط متکلمان و دانشمندان متقدم، می‌توان دلایل احتمالی و نوع رویکرد آنان را در قابل موارد ذیل مطرح نمود:

۱-۴- به گفته رافعی به نظر می‌رسد در شعر عرب تحدی وجود داشته و به همین دلیل، از آیات قرآن مربوط به معارضه، تعبیر به تحدی شده است (رافعی، ۱۳۶۰: ۱۳۷). از این رو، شاید اعجاز و معجزه هم در اشعار عرب و فرهنگ عرب برای توصیف تعجب و عدم توانمندیشان مرسوم بوده و در نتیجه هنگام مواجهه با قدرت قرآن، از آن استفاده کرده‌اند. حتی شاید به طور خاص، عباراتی که در آیات تحدی استفاده شده؛ مثل «لن تفعلوا» سبب تبادر ذهنی معجزه شده است که هرگز نمی‌توانید و عاجز از همانندآوری قرآن هستید. همچنین به طور ویژه چندین آیه بر ناتوانی انسان بر بی‌اثر کردن اراده خدا و عاجز کردن او دلالت می‌کند. باب مفاعله از ریشه «عاجز» به معنای «مبارزه کردن با کسی یا چیزی برای غلبه یافتن یا سبقت گرفتن از او/آن» است و می‌تواند پیشینه قرآنی مهمی برای نظریه کلامی اعجاز قرآن فراهم آورده باشد: «...وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ» (حج، ۵۱-۵۰) و نیز آیات (سبأ، ۳۸ و ۵)؛ چرا که مخاطبان در مواجهه با این آیه و در تقابل بین قرآن و عدم امکان همانندآوری آن، از

تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات ۱۸

این واژه الهام گرفته و به واژه سازی‌های مشابه پرداخته‌اند که منجر به شکل‌گیری واژه اعجاز شده است.

۲-۴- تنازع و بحث علمی میان علما به خصوص نظام و جاحظ برای بیان مدل و نوع ناتوانی انسان، موجب وضع و اشاعه همچون واژه‌ای در آن شرایط حساس بوده است. نظری مبنی بر اینکه، اولین کسی که در اعجاز بحث کرده و مباحث خود را به صورت کتاب ارائه داده است متکلم بوده،^۱ (ابن ندیم، بی تا: ۲۵۹ و ۶۳) می‌تواند موجب تقویت این عامل شود. محققى در این راستا، دو خاستگاه تاریخی برای پیدایش و نظریه پردازی در باب وجه اعجاز قرآن در قرون نخست بازشناسی می‌کند که ترکیبی از مجادلات کلامی و تلاش‌های ادبی آن دوره از تاریخ است: نخست، مباحثات و مناظرات کلامی مسیحیان و مسلمانان در باب نشانه‌های نبوت حضرت محمد(ص) و دوم، تلاش‌های ادبی و کلامی معتزله بصره و بغداد (کریمی‌نیا، ۱۳۹۲: چکیده). همچنین دیگرانی در بررسی سیر تطور اندیشه اعجاز قرآن، مشابه نظرات فوق را با بیانی دیگر ذکر نموده‌اند (بلاطه، ۱۳۸۷: ر.ک به کل مقاله).

به نظر می‌رسد سنجش شرایط و اوضاع زمانی و ویژگی‌های مخاطبان و نگرانی برخی متکلمان و علما از رواج نظریه صرفه و احساس وظیفه آنان جهت تثبیت درست عقاید اسلامی، آنان را بر تأکید روزافزون و ویژه بر عاجز بودن انسان از آوردن مثل قرآن واداشت و این تأکید تا آنجا ادامه یافت که واژگان مورد استعمال قرآن و الفاظ حاکی از عجز مخاطب، به واژگان «اعجاز» و «معجزه» قرآن تبدیل شد و به عنوان نسخه‌ای برای مقابله با صرفه رواج یافت و به اصطلاحی تبدیل شد که البته ممکن است چنین تصمیمی برای وضع و ترویج، در آن اوضاع، مفید و مؤثر بوده باشد.

۳-۴- عامل دیگری که تا حدودی بر بالندگی گفتمان کلامی و ادبی حول اعجاز قرآن تأثیرگذار بوده است، اختلاف شدید بر سر مخلوق بودن قرآن است. معتزله، جدی‌ترین حامیان این دیدگاه بودند که قرآن همچون دیگر اشیاء که خدا نیستند،

۱. مراد همان کتاب اعجاز القرآن فی نظم و تالیفه محمد بن زید واسطی (۳۰۷ق) است.

تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات ۱۹

مخلوق خدا در زمان و مکان است. محدثان حنبلی و بعدها متکلمان اشعری، با نظریه معتزله به مخالفت برخاستند و در خلال یک سده پس از مأمون، اعتقاد سنی ازلی بودن قرآن را به کرسی نشاندند و طبق نظر محققان، همین اختلاف نظر درباره خلق قرآن مسئله‌ای بسیار قابل توجه در تاریخ اندیشه اسلامی و شاید خلق واژه معجزه باشد (مارتین، ۱۳۸۷؛ بلاطه، همان).

۴-۴- یکی از محققان معتقد است در هر دوره‌ای، هر کدام از رؤسای فرق اسلامی یا متکلمان در پاره‌ای موضوعات، نظریاتی ابداع نموده و بر این گمان که آرای آنان بر اساس اصول صحیح و پایه علمی استوار است، دسته‌ای دیگر آن را تقلید نموده و بدون بررسی درست می‌پنداشتند و در نتیجه به مرور زمان، آن موضوع از اصول مسلم به شمار می‌رفت؛ لذا این عقاید و اصطلاح‌سازی‌ها تنها عبارت از افکار یک نفر بوده که سایرین آن را به طور تقلیدی پیروی کرده‌اند (رافعی، ۱۳۶۰: ۱۱۲) و این عامل در رابطه با شیوع اصطلاح اعجاز، در مورد رویکرد تقلیدگرایانه دانشمندان در استفاده از تعاریف و الفاظ متقدمان کلامی، مؤثر بوده است.

۴-۵- برخی نیز معتقدند جابجایی در افکار فلسفی فلاسفه و اندیشه‌های معرفت‌شناسی در دوره‌های مختلف، حتی در بین یهود و مسیح منجر به قائم مقام شدن واژه معجزه به جای آیه شده است؛ به طور مثال، جابجایی رویکرد معرفتی از طریق وحی با کسب معرفت از طریق عقل و رشد عقل‌گرایی، سنخیت بیشتری با معجزه و ویژگی نقض قانون طبیعت و عدم نقض قانون علیت داشت (موسوی، بی‌تا: ۶۸)، و به بیان برخی دیگر جایگزینی روش‌های عقلی صرف در میان متکلمان و فلاسفه و استفاده از علم کلام برای معرفت بخشی دینی، به عنوان پایه ایمان و معرفت می‌تواند از جمله عوامل رویکرد به این واژه باشد (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج: ۱، ۱۸۸).

۴-۶- در برداشتی دیگر می‌توان گفت که خود متکلمان واقف بر عدم استعمال معجزه در قرآن بوده‌اند و شاید به هدف تفکیک مصادیق آیات خاص پیامبران در قرآن از سایر آیات الهی، به دنبال اصطلاح نوپدید شده‌اند تا برای جلوگیری از خلط آن با

تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات ۲۰

سایر آیات، چاره‌ای اندیشیده باشند و شاهد بر این گمانه‌زنی، می‌تواند منبعی چون طبری باشد که در مواردی معجزه را نعت آیه قرار داده است و به نظر این عمل او به جهت تفکیک و به عنوان محدود کننده آیات خاص در نظر گرفته شده است.

در بررسی و تطبیق روشن شد که مصطلح کلامی معجزه به هر دلیل و اقدامی صورت گرفته و در فرهنگ اسلامی رواج یافته باشد، به هر حال پشتیبان قرآنی ندارد. نکته دیگر آنکه، واژه معجزه حتی برای برخی از این آیات خاص هم متناسب نمی‌باشد؛ چرا که آیات خاص طبق اصطلاح کلامی، کارکردی به صرف تصدیق مدعی نبوت دارد و این در حالی است که مواردی چون؛ آیات ویژه حضرت ابراهیم برای اطمینان قلب، رویت خدا در شب معراج توسط پیامبر یا حتی زنده شدن مقتول بنی‌اسرائیل، علاوه بر آن کارکرد، پیام معرفت‌شناسانه الهی و معادی هم دارد. (برای مطالعه بیشتر ر.ک به: موسوی، بی تا: ۲۷۲- ۱۷۲ و ۲۸۲)

۵. دیدگاه‌های رایج در مورد دلایل عدم استفاده قرآن از لفظ معجزه

پس از بررسی دلایل احتمالی وضع واژه اعجاز از سوی متکلمان، لازم است به بررسی دیدگاه‌ها و دلایل موجود در مورد چرایی عدم استعمال لفظ اعجاز و معجزه در قرآن بپردازیم. ابتدا برخی از دیدگاه‌های موجود یا فرضی را بیان کرده و سپس هر دیدگاه را با استفاده از دلایل و شواهد مدنظر مورد تحلیل قرار می‌دهیم:

۱-۵- برخی از محققان فقط با طرح موضوع و فارغ از هرگونه موضع‌گیری یا تحلیلی در مورد آن، به این نکته توجه کرده‌اند که، معجزه مورد استعمال قرآن و اکثر روایات نمی‌باشد (حسین نصار، مارتین، بلاطه و ...).

۲-۵- ممکن است برخی معتقد باشند که علت عدم استعمال واژه معجزه در قرآن، مرسوم نبودن واژه در آن دوره بوده است؛ یعنی طبق این دیدگاه، عدم استعمال قرآن دارای وجه و نکته خاصی نبوده و چه بسا اگر واژه معجزه، جزو واژگان مرسوم زمان نزول بود، قرآن هم از آن بهره می‌برد. در صورت پذیرش این دیدگاه، نکته آن

تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات ۲۱

است که اگر این واژه متداول و مرسوم نبوده و مراد و هدف قرآن تمرکز بر عجز مردم بوده است؛ چرا قرآن از واژه‌ای استفاده نکرده که لااقل بیانگر عجز و ناتوانی باشد، به گونه‌ای که مراد و مقصود معجزه را برساند؟! نه تنها قرآن بر این نکته اشاره‌ای نکرده، بلکه رواج‌دهنده واژه آیه و بینه و ... بدون ایجاد پیش‌زمینه عجز بوده است.

۳-۵- از طرف دیگر گروهی معتقدند واژه معجزه جزو استعمالات زمان نزول بوده است. در برخی منابع که به بررسی واژه‌های مشترک بین قرآن و کتاب مقدس پرداخته‌اند، واژه معجزه جزو واژگانی است که در کتب مقدس استفاده شده است (دنیزماسون، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۷۶؛ قدردان قراملکی، ۱۳۸۱: ۳۲) و به همین دلیل برخی معتقدند که این واژه جزو ادبیات مسیحیت بوده و قرآن استفاده نکرده است (شریعتی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۵) که در این صورت، عدم استفاده قرآن معنادارتر بوده و می‌تواند نشانه‌ای در جهت تغییر و ایجاد فرهنگ مناسب و تکامل یافته‌تر از دوره‌های قبل برای مواجهه مخاطبان با آیات الهی باشد. از نگاه صاحبان این دیدگاه، عدم استعمال واژه معجزه در قرآن به این دلیل است که همه کائنات و هر موجودی، نشانه‌ای از حکمت و قدرت خداست و معجزات پیامبران هم، نماد و نشانه قدرت الهی می‌باشند: «و ما کان لرسول ان یاتی بآیه باذن الله» (مومن، ۷۸) و به همین جهت آن نمادها «آیه» نامیده شده‌اند (دیاری، ۱۳۸۵: ۲۴۴).

۴-۵- دیدگاه دیگری معتقد به استعمال و مانوس بودن عرب با مفهوم این واژگان است. بررسی احوالات و واکنش عام صدر اسلام و حتی فصحا و بزرگان و اهل ادب؛ مثل سوگند عالی‌رتبه‌ای چون عقبه بن ربیع در سحر و شعر نبودن قرآن (ملا عمر حویش، ۱۹۰۷م: ۲۱۱) یا گواهی‌های تاریخی مبنی بر درک عجز در مواجهه با قرآن و تسلیم شدن مخاطبان (رافعی، ۱۳۶۰: ۱۳۵) روشن می‌کند، عقیده به اعجاز به معنای معترف بودن آنان به عجز از آوردن مثل قرآن، در آنان وجود داشته و حس درونی و وجدانی آنان در مواجهه با قرآن که در عبارات آنان اذعان شده بر این مطلب تأکید

۲۲ تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات

داشته است؛ لذا خداوند توجه آنان را از این امر به امر والاتری معطوف داشته که آن، آیه بودن و نشانه بودن قرآن است.

۵-۵- برخی معتقدند دلالت معنایی آیات الهی در قرآن بر جنبه خارق‌العاده بودن آن است و در نتیجه چون بار اصلی معنایی این آیات بر خرق عادت تأکید دارد، به همین دلیل در قرآن واژه معجزه استعمال نشده است؛ مثلاً اشاعره گروهی از متکلمان قدیمی، اعجاز را امر خارق‌العاده‌ای فرض کرده و با انکار نظام علیت، آن را مبتنی بر نظریه «عادت» می‌دانند (شهرستانی، بی‌تا: ۱۷۵؛ بغدادی، بی‌تا: ۱۴۰؛ مطهری، بی‌تا، ج ۴: ۴۳۴). این نکته هم جای تأمل دارد؛ چرا که واژه‌های مدنظر قرآن، بار اصلی معنایشان، خارق‌العاده بودن نیست، هر چند در لوای معانی‌شان موجود است. کلمه «آیت» از هر دو واژه رساتر به مقصود است و در واقع «معجزه» همان دلیل محکمی است که ادعای نبوت را اثبات می‌کند و به همین مناسبت «آیت» خوانده می‌شود (مطهری، بی‌تا: ج ۴: ۴۲۸ و ۴۲۷ و مطهری، ۱۳۵۹، ج ۱: ۱۴۰-۱۳۸). مطهری معتقد است قرآن، معجزات انبیا را به عنوان آیات و بینات یاد می‌کند و دلیل قاطع و حجت مسلم عقلی و منطقی بر صدق ادعای آنها می‌شمارد و این در حالی است که قرآن، کوچکترین اشاره‌ای ندارد که معجزه دلیل اقناعی برای اذهان ساده و عامیانه و متناسب با دوره کودکی بشر است که جنبه «خرق عادت» آن را برجسته نماید؛ بلکه رویکرد قرآن اثباتی بوده و نام «برهان» روی آن گذارده است (همان، بی‌تا، ج ۲: ۲۰۵).

در بیانی دیگر، برهان بودن، لازمه اعجاز است. مقصود از آیه، هر قول و عملی است که از نبی شنیده و دیده شود و دارای نشانه‌های خدایی باشد؛ به نحوی که مردم حق‌جو، نشانه را فهم کنند و بدانند توان آوردن آن مانند آن را ندارند. پس هر آیه‌ای معجزه و خرق عادت است، ولی هر معجزه و کار خارق‌العاده‌ای آیه نیست؛ چرا که تاکنون هیچ کس مثل اشعار حافظ و شاهنامه فردوسی را نیاورده و به عبارتی همه اینها می‌تواند نوعی معجزه باشد؛ اما آیه مدنظر قرآن نخواهد بود (رضوانی، ۱۳۹۱: ۳۲ و ۳۱)، در نتیجه خرق عادت- که شامل کشفیات و اختراعات شگفت‌انگیز هم می‌شود و

تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات ۲۳

دامنه‌اش از معجزه بیشتر است- مسلماً به معنای آیه از سوی خدا به معنای استعمال قرآنی آن نخواهد بود.

۵-۶- دیدگاه دیگری قائل است: که واژه معجزه، گویای مراد واژه آیه در قرآن نیست؛ چرا که در مواجهه با آیه و نشانه الهی، علاوه بر آنکه ناتوانی خود را حس می‌کنی، نشانه قدرت غیبی الهی را نیز درک می‌کنی، که این مقصود در معنای معجزه وجود ندارد (شریعتی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۷). برخی دیگر با رویکرد جواز و اولی بودن مفهوم در واژه آیه نسبت به معجزه، سخن می‌رانند و دلیل عدم استعمال واژه معجزه در قرآن و استفاده از واژه‌های جایگزین در آن را به معنای اتحاد مفهومی بین واژگان آیه و بینه و حجت و برهان و... در نظر نمی‌گیرند، بلکه معتقدند مقصود قرآن استفاده از واژه‌هایی است که دارای ارزش معرفتی خاصی بوده‌اند. با این اوصاف هر چند آن واژه‌ها از نظر مفهومی با معجزه مغایرت دارند؛ اما چون لازمه اعجاز، آیه و برهان و دلالت بر نبوت است، استعمال قرآن به دلیل وجود ملازمه جایز، بلکه وافی مقصود است (قدردان قراملکی، ۱۳۸۱: ۳۹).

تفاوت معجزه با آیه و بینه در آن است که معجزه به معنی ناتوان ساختن و از پای درآوردن است؛ اما آیه و بینه به معنی نشانه و دلیل است و هدف از ارائه آن‌ها «از پای درآوردن» نیست، بلکه مقصود، عرضه شاهد، ارائه گواهی بر صدق دعوی نبوت، دلالت افراد به ذوالآیة، و هدایت آنها به عبادت حق تعالی است. آنان که از قلبی پاک و حق‌پذیر برخوردارند، هرگز به مبارزه با راستی بر نمی‌خیزند تا پیامبران در برابرشان به اعجاز متوسل شوند و منکوبشان سازند. دلایل صدق پیامبر در لسان قرآن کریم، عبارت از آیه و بینه و برهان و حجت و سلطان است، تأکید بر این الفاظ، با مقاصد پیامبران- ارشاد و هدایت- سازگاری بیشتری دارد تا لفظ معجزه، که به معنی ناتوان ساختن و منکوب کردن است (پهلوان: ۱۳۸۲: همان)

بدین ترتیب، تعبیر متکلمان (معجزه) و نه تعبیر اشاعره (خرق عادت) رسا و واضح و مفهوم‌دار نیست و تنها واژه‌ای که مقصود قرآن را از افعال پیامبران به طور کامل، با

تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات ۲۴

نهایت کرامت نسبت به بشر، و هوشمندی در رساندن خودآگاه او به عجز، می‌رساند همان کلام مبرهن کلام وحی، آیه و ... است. (رضوانی، ۱۳۹۱: ۳۲ و ۳۱) و می‌توان ادعا کرد که قرآن به همین دلیل نارسایی، عدم وضوح، عدم جامعیت و مانعیت، از واژه اعجاز و معجزه استفاده نکرده است.

۵-۷- برخی از محققان بر محور تعقل و معرفت بشری به مسأله مورد بحث پرداخته‌اند و معتقدند که قرآن، آخرین کتاب آسمانی است و برای علم و تعقل و معرفت اهمیت خاصی قائل است؛ لذا در موارد متعدد مردم را به تعقل و تفکر فرا خوانده و جهل و نادانی را نکوهش کرده است. هدف قرآن، ایمان آوردن مردم به پیامبر و خدا بر اساس تفکر و معرفت است، نه آنکه به صرف مشاهده امری عجیب و غریب به آنان ایمان آورند. صدور معجزات از طرف پیامبران به ضمیمه دلیل و استدلال عقلی، اساس ایمان آنان را تشکیل می‌دهد. از این رو نگرش قرآن بر اعجاز، نگرشی معرفتی بوده و به جای تعبیر اعجاز یا واژه معجزه یا خارق‌العاده، که فاقد ارزش معرفتی هستند از واژه‌هایی بهره گرفته که بتواند غایت اعجاز و منطقی بودن آن را با تعبیری رسا و گویا برساند و این در حالی است که واژه‌های مورد نظر قرآن در لسان عرب به نحو مطلوب از عهده مقصود بر آمده‌اند. لذا استعمال نشانه و برهان و ... از طرف قرآن نشان می‌دهد که قرآن دلالت معرفتی و برهانی معجزه را بر مدعا مسلم و مفروغ عنه فرض کرده ضمن آنکه به نظر می‌رسد مردم نیز چنین تلقی از نقش اعجاز داشته‌اند (قدردان قراملکی، ۱۳۸۱: ۲۱۴ و ۳۹).

۵-۸- برخی معتقدند این عدم استعمال، مبین نکته تربیتی و هدایتی است (ایازی، جزوه اعجاز: ۱۳۸۲ و پهلوان: ۱۳۸۲) و دلایل خود را بدین گونه تقریر می‌نمایند:

۱. کارهای خارق‌العاده پیامبران، دلیل و راهنمایی است به الهی بودن آن و از این رو تعبیر به آیت شده است.

۲. آیت، شامل همه انسانها اعم از مسلمان و کافر، با ایمان و بی‌ایمان می‌شود؛ حتی برای کسی که ایمان دارد، باز هم وسیله ازدیاد باور او می‌گردد. در صورتی که ناتوان

۲۵ تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات

کردن و معجزه یا برای منکران و مخالفان و مفتریان است، آن گونه که در سوره هود آیه ۱۳؛ یونس آیه ۳۸ و اسرا آیه ۸۸ آمده است یا برای کسانی که تردید و به تعبیر قرآن «ریب» دارند، آن گونه که در سوره بقره آیه ۲۳ آمده است.

۳. معجزه، امر سلبی است، به این معنا که ناتوان شدن مخاطب از مانند آوردن کاری، مشابه کاری که نبی انجام داده است آشکار می شود و لذا فعل نبی، خارق العاده و انحصاری و قدسی و الهی است؛ اما آیت و نشانه، امری اثباتی بوده و خود به صورت مستقیم دلیل بر نبوت نبی است (ایازی، ۱۳۸۲: ۱۵ و ۱۴).

خداوند در ابتدا قصد دارد بندگان خود را به هدف غایی قرآن و فعلهای خاص پیامبر (ص) معطوف نماید و نشانه های روشن و حجت های خود را جلوه گر سازد و در پی درک این موضوع برای مخاطب، خود مخاطب به خارق العاده بودن قرآن و ناتوانی خود از آوردن همچون مطالبی دست یابد. در نتیجه آنان که قصد توجه و ایمان به حق را ندارند با استعمال لفظ معجزه و اعجاز و متوسل شدن به سرزنش آنان با تأکید بر ناتوانی و ... به خود نخواهند آمد تا قرآن هدف تربیتی و هدایتی عالی خود را که مدبرانه در قالب الفاظ گنجانده، قربانی فهم عده ای نماید که با سرزنش و تأکیدات منفی هم تسلیم نشده و ایمان نخواهند آورد.

نقد و بررسی نظرات

رویکرد روان شناسانه قرآن در بیان مطالب و استفاده از الفاظ مثبت با محتوای تأثیرگذار بر درک قدرت الهی، به جای تکیه بر الفاظ سرزنش آمیز و تمرکز بر ناتوانی و عجز مخاطب، حاکی از تمهیدات خداوند در هدف هدایتی و تربیتی اوست و مبین روش و کلام الهی بر توجه دادن بنده به بینه و آیت بودن قرآن - که حجت میان او و بندگان است - بوده است. بررسی مدل جامع گفتمان الهی ذیل مفاهیم و واژه های بیان شده به جای اعجاز و معجزه مصطلح، نشانگر آن است که خالق هدایتگر و رؤف - بر اساس صفات جمال و جلالش - درصدد به رخ کشیدن عجز بنده و سرکوب و سرزنش او نیست؛ بلکه با تدبیر

۲۶ تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات

کلامی خود قصد دارد درون خودآگاه و ناخودآگاه بنده‌اش را در مواجهه با آیات و آفریده‌های عام خود، به خصوص از طریق آیات و حجت‌های خاصی که به پیامبرانش داده، به عظمت و جلالت خود معطوف کند تا او به سرعت یا به تدریج بنا بر ظرفیت بشری خود، عجز و ناتوانی خود را درک نماید. این نکته در حالی است که استعمال واژه اعجاز و معجزه برخلاف این رویکرد صورت گرفته و سرزنش خدا نسبت به بنده‌اش مبنی بر عاجز بودن او را در ذهن تداعی می‌کند. هرچند عاجز بودن بنده در مقابل خدا امری مسلم است؛ ولی نوع کلام و گفتمان تربیتی قرآن در مسیر هدایت، بر آن است تا از طریق بینه الهی با مطلع معرفت‌شناسی، از درون بنده را به عجز کشاند.

پیشرفت‌های زبان‌شناسی و معناشناسی جدید هم می‌تواند شاهی بر ادعا و تحلیل فوق باشد^۱ و بر اساس این علم، واژه اعجاز و معجزه با تأکید بر عجز و برخورد تهاجمی، بار تأکیدی مفاهیم آیه و بینه مبنی بر روشنگری و عظمت الهی را کم‌رنگ کرده و رویکرد هدایتی و تربیتی و اقناعی آن را مورد غفلت قرار داده است. در بسط این نظریه، با یادآوری تفاوت کارکردهای آیه و مفاهیم جانشین آن با معجزه، روشن است، مرکز ثقل پیام و محتوا در «آیه» در قالب ایجاد تصویری ایجابی، تعامل با مخاطب و تمرکز او بر خداشناسی از طریق این فعل خدا و معرفت‌بخشی به او از راه‌های علم دادن، دعوت به ایمان، انذار کردن و ... است؛ در حالیکه در «معجزه» کانون ثقل با ایجاد تصویری سلبی و تأکید بر عجز، خارق‌العاده بودن و اعجاب‌آور بودن فعل است (ر.ک).

۱. داوود رهبر، از جمله نخستین کسانی است که از قواعد معناشناسی برای بازسازی تصورات قرآنی فارغ از تعبیر و تفاسیر کلامی، فلسفی و عرفانی رایج استفاده کرده است. او با تکیه بر این اصل که مفهوم تعبیر قرآنی را باید در بافت متنی و ساختاری که بدان متعلق است جستجو کرد، به تحریف‌های معنوی که به واسطه تفسیر عباراتی از قرآن یا ذهنیت دیگران در مواجهه با قرآن و در نتیجه موجب درکی جدا از کلام قرآن شده اشاره می‌کند. بر اساس نظریه او، معناشناسی مفاهیم قرآنی در بافت متنی خود قرآن، نشان می‌دهد چگونه مفاهیم تکلف‌آمیز فلسفی و کلامی که با سیاق و مراد قرآن بیگانه است، به استعمالات مردم آن هم از منظر قرآن و تفسیر سرایت کرده و با این تحول و جابه‌جایی ایجادشده در مفاهیم، مرکز ثقل تاکیدات قرآن، متحول شده و سیمای اصلی مفاهیم و تصورات قرآنی تغییر کرده است (موسوی، بی تا: ۳۰۲).

۲۷ تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات

موسوی، بی تا: ۶۹-۶۷). نکته مهم آنکه پیام معجزه در انتهای پیامهای آیه حاصل می‌شود، ولی معجزه فاقد پیام و محتوای آیه به معنای مورد نظر قرآن است.

۶. گزینش رویکرد مطلوب در واژه‌گزینی در این دوره

بر اساس نقطه نظر علامه طباطبایی در مورد تحمیل ذهنیت‌های کلامی و فلسفی و ... در تفسیر قرآن (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۵-۶)، به نظر می‌رسد در مبحث اعجاز هم، جریان اندیشه‌ورزی در عمل به جای آنکه قرآن را محل استخراج کلام و مفاهیم خود قرار دهد، تحت تأثیر ذهنیت‌های انتزاعی متکلمان واقع شده است. در نتیجه برای فهم مراد و مقصود کلامی چون قرآن، که نظام‌مند و هماهنگ طراحی شده و هم پوشانی معنایی دارد، نمی‌بایست به تصورات از پیش تعیین شده و خارج از متن اتکا کرد؛ بلکه باید بر مبنای هویت خود متن، مقصود و مراد آن را شناسایی نمود.

از آنجا که «معجزه» فقط برای تبیین گونه خاصی از آیات الهی به کار رفته و به هدف خاص و طبق اقتضائات زمان و مکانی ویژه، توسط بشر وضع گردیده است و در اصول عقاید، خارق عادت طبیعت بوده و کارکرد آن در کلام اسلامی تصدیق مدعی نبوت و در الهیات یهودی و مسیحی، اثبات آموزه اصلی دین است، در نتیجه در اجزای تصویری و از حیث کارکرد با مفهوم قرآنی آیه تباین دارد. بنابراین با فرض مفید بودن و صحیح بودن وضع واژه اعجاز و معجزه توسط متکلمان به دلایل پیش گفته (که البته نشانگر دغدغه و تلاش علمی علما برای تثبیت عقاید اسلامی بوده است)، و رواج و شیوع آن در دوره‌های مختلف، می‌توان با تأسی به کلام خدا و حتی لحاظ مناسبات و اقتضائات امروز از جمله: نیاز جوانان و اقشار مختلف مردم به آشنایی با حکمت و تدبیر الهی در زمینه احکام و اخلاق و عقاید، مهم‌تر از آن نحوه بیان و طرح آن از طرف خداوند، گزینش به‌جا و هدفمند واژه‌ها در کلام الهی، علم ما بر تأثیر فهم این حکمت و تدبیر در اطاعت‌پذیری، اثر روانشناسانه آن در پذیرش دین خدا و ... واژه‌های آیه و بینه

تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات ۲۸

را شایع نمود و با وارد کردن آن در ادبیات علمی و مقالات و ...، رویکرد ذهنی و علمی را به واژگان قرآنی بیشتر کرد و از تأثیرات آن در جامعه بهره برد.

همان انگیزه‌ای که متکلمان نخستین را به دفاع از ارکان اسلام و دین واداشت، می‌تواند محرک محققان امروزی برای تغییر باشد. اگر متکلمان و علمای گذشته در دوره خود از روشی جدید و از ایده وضع اعجاز برای درک دینی اعجاز و تقابل با انحرافات پیش روی آن بهره برده‌اند، محققان و علمای امروزی را نیز لازم است در جهت فهم صحیح‌تر و کامل‌تر از همین مفهوم اعجاز - که جامع و مانع مفهوم و مطلوب قرآنی آن نیست - اقدام نموده و برای احیای استعمال قرآنی آن تلاش نمایند؛ چرا که آنچه اصالت و قداست دارد کلام خداست و روشها و اقدامات ما فقط ابزاری جهت فهم این کتاب است. بنابراین گزینش واژه مطلوب طبق منابع حجت بخش، لازم بوده و در موضوع ما گزینش مطلوب برای رواج، استعمال واژه‌های آیه و هم‌ردیفان آن می‌باشد.

نتیجه

بنابر پیش‌فرض حجیت الفاظ الهی، حکیمانه بودن سخن خداوند، تدبیر او در گزینش واژگان قرآن جهت بیان معارف و عقاید، برنامه‌ریزی الهی برای تربیت و هدایت بشر با رویکرد تکاملی، عدم استفاده قرآن از لفظ معجزه دارای پیام و نکته‌ای معرفتی و تربیتی است. بحث اعجاز مبحثی جدلی بوده، در حالی که آیه و بینه و برهان و سلطان جنبه اثباتی و روشنگری دارد. اعجاز با القای عجز و ناتوانی مخاطب، پیامی منفی به او منتقل می‌نماید؛ ولی آیه و بینه و ... با رویکرد مثبت و با هدف تربیتی و هدایتی، نشانه‌های خدا را برای بشر به تصویر می‌کشد و حجت‌های الهی را برای او جلوه‌گر می‌سازد. واژه‌های قرآن جامع بین

۱. دلالت کلام اندیشمندانی چون نقیب العطاس در همچون مواقعی روشن می‌شود که، معتقدند برای دستیابی به علم و تمدن اسلامی بایستی از تجدید حیات الفاظ قرآنی و اسلامی شروع کرد؛ چرا که تأثیر واژگان قرآنی و اسلامی با پشتوانه حکمت و تدبیر الهی در گزینش واژه‌ها دارای اثر خواهد بود (موسوی، ۱۳۹۱: ۴۸). البته وجود واژگانی که در بین مسلمانان رایج است ولی پشتوانه قرآنی ندارد و از آن سو منتسب به قرآن می‌شود، کم نیست؛ مواردی چون تفسیر، تحدی، تمدن هم از واژه‌هایی هستند که برای قرآن و یا با صفت قرآنی استعمال می‌شود در حالی که در ادبیات قرآنی جایگاهی ندارند.

تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات ۲۹

مقصودهای الهی است به گونه‌ای که بنده در اوج عزت، نشانه و حجت خدا را دریافته و عاجز بودن خود و خارق‌العاده بودن قرآن را درک می‌کند.

ترویج واژه معجزه، شاید در زمان خود مفید و مؤثر و مناسب بوده است؛ ولی نایست از این نکته غفلت کرد که اگر متکلمان آن روزگار با نسخه واژگانی قرآن و با تبیین و توضیح آن از حیث جامعیت و مقصود و ... به سراغ صرفه می‌رفتند چه بسا زودتر، راحت‌تر و علمی‌تر بر جدالهای کلامی فائق می‌آمدند.

به هر ترتیب ادامه روند ترویجی اصطلاح معجزه با توجه به نیاز و اقتضائات فعلی، دارای اولویت نیست و با عنایت به تأثیر الفاظ در اندیشه و عمل انسانها، می‌توان با اصلاح این واژه و سایر واژگان مشابه که منتسب به قرآن می‌شوند، گامی را در رشد اندیشه‌های قرآنی و اصلاح گفتار و عملکردها طبق اهداف آن برداشت.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، نسخه دکتر صبحی صالح، دارالهجره، قم، بی تا.
- صحیفه سجاده، انتشارات پیام آزادی، تهران، ۱۳۸۴.ش.
- آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵.ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، علل الشرایع، کتابفروشی احمدی، قم، ۱۳۸۵.ش.
- ابن تیمیه، شرح العقیده الاصفهانیه، الکتب العصریه، بی جا، بی تا.
- ابن حزم اندلسی، الفصل فی الملل و الهواء و النحل، دارالکتب العلمیه، بی جا، بی تا.
- ابن خلدون، مقدمه، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۳۹۸.ق.
- ابن رشد، محمد بن احمد، تهافت التهافت، دارالفکر، بیروت، بی تا.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۲.ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹.ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴.ق.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
- ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق: مصطفی سقا و ...، چاپ دوم، بی نا، قاهره، ۱۹۵۵.م.
- ابو حجر، احمد عمر، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، دارالمدار الاسلامی، بیروت، ۲۰۰۱.م.
- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۰.ق.

۳۰ تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات

- اربلی، کشف الغمه، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، انتشارات بنی هاشمی، چاپ اول، تبریز، ۱۳۸۱.ق.
- اسدآبادی، قاضی عبدالجبار، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، الدار المصریه، بیروت، بی تا.
- اسعدی، محمد، درآمدی بر نظریه معناشناسی مستقل فرازهای قرآنی در پرتو روایات تفسیری، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷.ش.
- امین اصفهانی، نصرت بیگم، مخزن العرفان فی تفسیر القرآن، موسسه بانو امین، بی تا.
- ایزی، سید محمدعلی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، موسسه الطباعه و النشر، تهران، ۱۳۸۶.ش.
- ایچی، میرسیدشریف، شرح المواقف (جرجانی)، الشریف الرازی. نرم افزار کلام مرکز تحقیقات اسلامی نور.
- ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه: احمد آرام، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۷۰.ش.
- الباقلانی، ابی بکر محمد بن الطیب، اعجاز القرآن، تحقیق: سید احمد صقر، دارالمعارف، قاهره، بی تا.
- بغدادی، اصول الایمان، دار و مکتبه الهلال، نرم افزار کلام مرکز تحقیقات علوم اسلامی نور.
- بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن بنیاد بعثت، قم، ۱۴۲۰.ق.
- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، الاعجاز الیانی للقرآن و مسائل نافع ابن اریق، دارالمعارف مصر، ۱۳۹۱.ق.
- بیضائی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التاویل، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸.ق.
- تطور دراسات اعجاز القرآن، مطبعه الامه، بغداد؛ ۱۹۷۲.م.
- تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، الشریف الرازی. نرم افزار کلام مرکز تحقیقات اسلامی نور.
- تفسیر منسوب به امام حسن عسگری علیه السلام، مدرسه امام مهدی علیه السلام، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹.ق.
- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، دلائل الاعجاز فی علم المعانی، تحقیق: عبدالحمید هندای، انتشارات دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
- جفری، آرتور، واژه‌های دخیل در قرآن، ترجمه: فریدون بدره ای، تهران، توس، ۱۳۸۵.
- جوادی آملی، عبدالله، علی بن موسی الرضا و الفلسفه الاسلامیه، دارالاسراء للنشر، قم، ۱۳۷۴.
- جوینی، عبدالملک، الارشاد الی قواطع الادله فی اول الاعتقاد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
- حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، انتشارات بنیاد دائره المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۸۴.
- حقی بروسوی، روح البیان، دارالفکر، بیروت، بی تا.
- حلّی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، نرم افزار نورالحکمه ۳
- خواجه نصیرالدین طوسی، محمد بن حسن، تلخیص المحصل المعروف بنقد المحصل، دارالاضواء، بیروت، بی تا.
- _____، تصورات یا روضه التسلیم، جامی. نرم افزار.
- خوبی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، (نرم افزار مرکز تحقیقات اسلامی نور)
- دینز ماسیون، قرآن و کتاب مقدس درون مایه‌های مشترک، مترجم: فاطمه سادات تهامی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۹.ش.
- دیاری بیدگلی، محمد تقی، آسیب شناسی روایات تفسیری، سمت، تهران، ۱۳۹۰.ش.

۳۱ تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات

- دیاری، محمد تقی، درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی، دانشگاه قم، ۱۳۸۵.ش.
- رئیس اعظم شاهد، اعجاز از دیدگاه مستشرقان، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۶.ش.
- راغب اصفهانی، جامع التفاسیر، تحقیق: احمد حسن فرحات، دارالدعوه، کویت، ۱۴۰۵.ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم-الدار الشامیه، دمشق و بیروت، ۱۴۱۲.ق.
- الرافی، مصطفی صادق، اعجاز قرآن و بلاغت محمد، بنیاد قرآن، تهران، ۱۳۶۰.ش.
- رشیدرضا، سید محمد، تفسیر القرآن الحکیم المشتهر باسم تفسیر المنار، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، کتاب مبین، رشت، ۱۳۸۰.ش.
- رضوانی، روح الله، مبانی کلامی اعجاز قرآن، مرکز بن المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم، ۱۳۹۱.ش.
- الرمانی والخطابی و الجرجانی، ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، محمد زغلول سلام و ..، دارالمعارف مصر، قاهره، ۱۳۸۷.ق.
- زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷.ق.
- سیدی، سیدحسین، سیر تاریخی اعجاز قرآن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۹۲.ش.
- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، دار ابن کثیر، بیروت، ۱۹۹۳.م.
- _____، _____، معترك الاقران فی اعجاز القرآن، تحقیق: احمد شمس الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸.ق.
- شریعتی، تفسیر نوین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۵.ش.
- شریف مرتضی، الموضح عن جهه اعجاز القرآن (الصرفه)، تحقیق محمد رضا انصاری قمی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۲.ش.
- شهرستانی، نهایه الاقدام فی علم الکلام، دارالکتب العلمیه، نرم افزار کلام مرکز تحقیقات اسلامی نور.
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷.ق.
- _____، _____، اعجاز قرآن، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۲.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصرخسرو، تهران، ۱۳۷۲.ش.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۲.ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تحقیق: حسینی اشکوری، انتشارات مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵.ش.
- طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن، دارالفکر، بیروت، بی تا.
- عبدالعزیز عرفه، قضیه الاعجاز القرآنی و اثرها فی تدوین البلاغه العربیه، عالم الکتب، بیروت، ۱۹۸۵.م.
- علامه حلی، ارشاد الطالبین، تحقیق: رضا استادی، قم، ۱۳۶۳.ش.
- العمری، احمد، مفهوم اعجاز القرآنی، دارالمعارف، قاهره، بی تا.
- غزالی، ابو حامد، احیا علوم الدین، بیروت، دارالکتاب العربی، بیروت، بی تا.

۳۲ تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات

- فاضل مقداد، ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، بی تا.
- فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
- _____، تفسیر کبیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
- _____، نهایه الاعجاز فی درایه الاعجاز، تحقیق: احمد حجاری السقا، دارالجیل، بیروت و مکتب الثقافی قاهره، ۱۴۱۲ق.
- _____، المحصل، دارالرازی، نرم افزار کلام مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۰ق.
- فضل الله، سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، دارالملاک لطباعه و النشر، بیروت، ۱۴۱۹ق.
- فیروزآبادی، محمد، القاموس المحیط، دارالجیل، بیروت، بی تا.
- قدردان قراملکی، محمد حسن، معجزه در قلمرو عقل و دین، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ش.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دارالمکتب الاسلامیه، بی تا، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تحقیق: جمعی از محققان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- مصباح، محمد تقی، قرآن شناسی، موسسه امام خمینی، قم، ۱۳۸۵ش.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، بخش لغتنامه نرم افزار جامع الاحادیث مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.
- مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۵۹ش.
- _____، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، بی تا، نرم افزار کلام مرکز تحقیقات علوم اسلامی نور.
- معرفت، محمد هادی، تلخیص التمهید، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۳۵ق.
- مفید، محمد بن نعمان (شیخ مفید)، النکت الاعتقادیه، المکتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۹۳ق.
- ملا عمر حویش، تطور دراسات اعجاز القرآن و اثرها فی بلاغه العربیه، مطبعه الامه، بغداد، ۱۹۰۷م.
- ملکیان، مصطفی، مسائل جدید کلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۲ش.
- مودب، سید رضا، اعجاز قرآن در نظر اهل بیت عصمت، انتشارات موسسه احسن الحدیث، قم، ۱۳۷۹ش.
- نراقی، مهدی، انیس الموحدین، انتشارات الزهراء، بی تا، بی تا.
- نصار، حسین، اعجاز القرآن، مکتبه المصر، بیروت، ۱۹۹۹م.
- نعیم الحمصی، فکرة الاعجاز القرآن، چاپ دوم، بی تا، بیروت، ۱۴۰۰ق.
- هیتو، محمد حسن، المعجزه القرآنیه، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۲۱ق.

مقالات:

۳۳ تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ «معجزه» در قرآن و روایات

- آذرنوش، آذرتاش و موسوی اندرزی، نرجس، مفاهیم آیه در دوره پیش از اسلام: تبارشناسی و معناشناسی، مجله علمی پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ش ۱۷، زمستان ۱۳۸۹. ش.
- بلاطه، عیسی، درآمدی بر سیر تطوری نظریه اعجاز قرآن، ترجمه مهرداد عباسی، آیین پژوهش، ش ۱۱۳، ص ۲ تا ۱۰. آذر و دی ۱۳۸۷. ش.
- پهلوان، منصور، تحقیق در وجه اعجاز قرآن کریم، مجله سفینه، ۱۳۸۲، قابل دسترسی در <http://www.maarefquran.org>
- ریچارد مارتین، سیر تاریخی اندیشه اعجاز قرآن، ترجمه: سید علی آقایی، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، ش ۵۴ و ۵۵، ص ۲۶۲ تا ۲۸۹، ۱۳۸۷. ش.
- ریچارد مارتین، نقش معتزله بصره در شکل گیری نظریه اعجاز قرآن، ترجمه: مهرداد عباسی *Journal of Near Eastern Studies*, Vol. ۳۹, No. ۳ (Jul., ۱۹۸۰), ۱۷۵-۱۸۹.
- شبیری، محمدجواد، درنگی در واژه «تَنَقَّبَتْ» در زیارت عاشورا (۲)، سایت پژوهشکده باقرالعلوم، ۳۸۹۰۸، <http://www.pajoohe.com/۲۵۵۱۳/print.php?UID=۳۸۹۰۸>، ۱۳۸۹/۷/۱۷. ش.
- کاظم زاده، موسی، اعجاز قرآن در احادیث رضوی، بنیاد بین المللی فرهنگی امام رضا، ۱۳۹۱. ش.
- کریمی نیا، مرتضی، ریشه های تکوین نظریه اعجاز قرآن و تبیین وجوه آن در قرون نخست، مجله پژوهشهای قرآن و حدیث، دوره ۴۶، شماره ۱، صفحه ۱۱۳-۱۴۴، تابستان ۱۳۹۲. ش.
- لطفی، مهدی، مقاله تفسیر امام حسن عسگری، دانشنامه موضوعی قرآن کریم. <http://cgje.org.ir/shavad.asp?id=۱۲۳&avid=۶۰۱۶>
- مقاله اعجاز قرآن (انگلیسی)، دائرة المعارف اسلامی، کتابخانه و مرکز اطلاع رسانی بنیاد دائرة المعارف اسلامی چاپ حیدرآباد هندوستان، ۱۹۳۳. م.
- مودب، سید رضا، اعجاز تاریخی قرآن، دو فصلنامه قرآن و علم، ش ۷، ص ۶۹-۹۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹. ش.
- موسوی، سیدمهدی، بایسته های اسلامی سازی علوم انسانی از منظر محمد تقی العطاس، فصلنامه پژوهش های فرهنگی و اجتماعی صدر، ج ۲ ویژه نامه نخستین کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی، ش ۱، بهار ۱۳۹۱. ش.
- مهریزی، مهدی، رابطه قرآن و حدیث، فصلنامه علوم حدیث، ش ۲۹، ۱۳۸۳. ش. (دسترسی در سایت نورمگز)
- _____، قلمرو حجیت حدیث، فصلنامه علوم حدیث، ش ۵۳، ۱۳۸۸. ش. (دسترسی در سایت نورمگز)

پایان نامه

- موسوی، معناشناسی آیه در قرآن و عهدین (رساله دکتری)، استاد راهنما: دکتر محمد باقر حجتی، دانشکده الهیات گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، بی تا.

جزوات

- ایازی، جزوه اعجاز، پاییز ۱۳۸۲، قابل استفاده در سایت: <http://www.ayazi.net>.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی